

آینه‌های روبه‌رو

جمشیدار جمنده:

تا شرایط ایده‌آل سینمای ایران فاصله داریم

سهام‌الدین بورقانی



■ جمشیدار جمندیکی از قدیمی‌ترین منتقدان سینماست. هرچند حالا کمتر می‌نویسد، اما گاهی اوقات مطلب و مصاحبه‌ای از او که در مورد فیلمی اظهارنظر کرده است در رسانه‌ها دیده می‌شود. ار جمنده نگاه خاصی به سینمای ایران دارد و چندان از فضای سینمای راضی نیست و گاهی هم در میان حرف‌هایش از ناامیدی از فیلم‌های ایرانی و محدودیت‌هایی که سر راه سینماست، دیده می‌شود گفت‌وگو ما را با او بخوانید.

■ ■ ■

■ شاید برای شما که یک منتقد هستید، بررسی محتوایی سینمای ایران آسان باشد؟ اعتقاد همیشگی من این است که تا فضای تنفس هر هنری آزاد نباشد، آن هنر رشد مقدر خود را نمی‌تواند انجام دهد. بنابراین، سینمای ایران هم چون فضای چندان آزادی ندارد، نمی‌توان خیلی در مورد سایر مشکلات آن صحبت کرد. به همین دلیل جواب دادن به این سوال برام دشوار است.

■ تا نگاه به همین شرایط موجود و تنگنهایی که هست، چه نظری دارید؟ وقتی که یک شکل خاصی از ارتباطا و رفتارها بر سینما حاکم باشد، اهل سینما مجبور هستند خودشان را با آن سازگار کنند. اوایل انقلاب سناریوهایی که زن در آنها حضور نداشت با قیمت‌های بالا خرید و فروش می‌شد. به تدریج شکل‌های دیگری پیدا کرد و از آن نگاه فاصله گرفتیم. یعنی اینکه اهالی سینما چون نمی‌توانند شرایط را تغییر دهند خودشان را با شرایط وفق می‌دهند. بنابراین در این شرایط هم با هر شکلی که مواجه شویم یک شکل ساخته شده و دستکاری شده از طرف اهالی سینماست برای اینکه بتوانند کار کنند. اگر جشنواره‌ای هست و… اینجا همه تلاش‌هایی برای سازگار شدن با شرایط موجود است. **■** اما به هر حال ما از اول انقلاب تا به حال تغییرات مثبت زیادی هم داشته‌ایم و نگاه‌های منفی اولیه به سینما تا حدز زیادی از بین رفته‌اند. سینما را کد نمانده است و ضمن اینکه امیدواری برای تغییرات جدیدتر هم وجود دارد.

البته‌ها ما هم امیدواریم… ولی تا یک مورد حتی کوچک از شرایط سخت برقرار نباشد، نمی‌توانیم به طور کامل با یک سینمای آزاد روبه‌رو باشیم. به هر حال ما محدودیت‌هایی داریم.

تا این شرایط وجود دارد سخت است که ما از سینمای دیگر و بهتری حرف بزنیم و این باعث می‌شود که سینما نتواند رشد اصلی‌اش را داشته باشد. ناگفته نماند که سینمای ایران با همه محدودیت‌هایی که دارد، توانسته موقعیت‌های جهانی خوبی را هم به دست بیاورد. **■** یکی از مصادیق کسب موقعیت‌های جهانی می‌تواند فیلم «جدایی نادر از سیمین» باشد که در خیلی از کشورها اکران و مورد تحسین واقع شد. آیا با توجه به همه محدودیت‌های موجود نمی‌توان فضا را برای ساخت چنین فیلم‌هایی باز کرد و کمک کرد تا کارگردان‌هایی مثل فرهادی به فراغ بال بیشتری فیلم بسازند؟ «فیلم‌هایی که حرف‌شان آتقندر مهم و پرمخاطب است که محدودیت‌ها هم عللا تأثیری بر آنها ندارند.

من با این شکل کار مخالفم. خیلی آدم کمال‌گرایی نیست؛ اما اینکه زور بزنیم تا هر طورش با شرایط کنار بیاییم، خیلی کار درستی نیست و یک زحمت زائد است. بچه‌های سینما خودشان باید تلاش کنند تا به نقطه ایده‌آل برسند و قدم به قدم جلو بروند.

■ شما در این فضایی که ترسیم کردید، چقدر تمایل به سینما رفتن دارید؟ «فیلم‌هایی که اخیرا دیده‌اید و پسندیده‌اید کدامند؟

خیلی کم به سینما می‌روم؛ تعریف‌ها از فیلم‌های خوب بالاخره به گوشم می‌رسد و می‌روم آنها را می‌بینم. آخرین فیلم خوبی که دیدم «اینجا بدون من» است. همین فیلم در شرایط بهتری می‌توانست به فیلمی در لوج تبدیل شود.

■ ویژگی ممتاز فیلم اینجا بدون من را در چه می‌دانید؟

هر چه هست، مربوط به شخص کارگردان است. فیلمنامه اقتباسی است، یعنی فکر، ایرانی نیست. دوم اینکه تلاش‌های مجموعه عوامل خود فیلم است که این فیلم را به فیلم خوبی تبدیل کرده است. مثل بازی بازیگرها که بسیار خوب است. خاتم متمدن‌آریا و صابر اب و دیگران واقعا خوب بازی کرده‌اند. به هر حال ما هنوز تا شرایط ایده‌آل سینمای ایران فاصله‌ای بسیار داریم و مطمئناً مثلاً اگر همین فیلم در شرایط ایده‌آل ساخته شده بود، خیلی بهتر و قوی‌تر می‌شد.

دور ایران

■ انجمن نویسندگان کودک و نوجوان تنها تشکل فراگیر نویسندگان کودک و نوجوان در کشور با بیش از ۲۰۰ عضو به مناسبت روز جهانی کودک که به‌صورت بین‌المللی اکتفا خواهد کرد.
■ تیم بازیسی ستاد مبارزه با محصولات غیرمجاز سمعی و بصری؛ موفق شد یکی از مراکز عمده توزیع کپی غیرمجاز فیلم «جدایی نادر از سیمین» را در تهران کشف کند.

تولید متفاوت از دلالی

علی معلم

تهیه کننده



واقعیت این است که هر گونه هدف‌گذاری در مسایل اقتصادی، اولین ضرباتش را به عرصه فرهنگ وارد می‌کند و قبل از نمایش فیلم، مساله توزیع فیلم دچار مشکل می‌شود. با بالا رفتن هزینه‌های مربوط به فیلمسازی که ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش داشته ما می‌بینیم که وضعیت تولید هم، وضعیت مناسبی نیست. شما ببینید در بخش خصوصی فعالیت سینمایی کم شده درخصوص سالن‌های سینمایی هم تأثیر چندان مناسبی را نمی‌بینیم و این نامساعدبودن را می‌توان از گران‌کردن بلیت سینما فهمید. در زندگی ما هر چیزی قیمت دلار پیدا کرده، به غیر از درآمد مردم که همچنان به ریال است. الان برای یک سینما رفتن هر فردی باید حدود پنج دلار هزینه کند، به هر حال آثار دیگری هم این ماجرا دارد. ببینندگان سینما که سیر نزولی عجیبی را طی می‌کنند از این هم کمتر خواهند شد. البته سینمای ما بیشتر سینمای دولتی محسوب می‌شود و ما تنها از ۱۰ درصد سینما می‌توانیم به عنوان سینمای

■ ■ ■

سجاد بورقناد: پس از ۳۰ سال ارکسترسمفونیک تهران به خوابی عمیق فرو رفته… بسیار غم‌انگیز است! ارکستری که در دوره اول از کمبود بازدیدکننده و مرقوم به صرفه نبودن کنسرت‌ها، م مشکلات مادی و معنوی جنگ جهانی دوم، خروج نوازندگان کلیدی از ارکستر، کمبود ساز و در دوره دوم تحریم‌های مربوط به موسیقی، خروج دوباره نوازندگان خیره، مشکلات مادی و معنوی زمان جنگ هشت‌ساله و صدها مشکل دیگر تا به امروز حیات خود را حفظ کرده بود، در دوره‌ای که بیش از همیشه طرفدار دارد و بلیت کنسرت‌ها هم در بالاترین حد خود است، به خاطر سوءمدیریت باید تعطیل شود. برای! باور این حقیقت بسیار مشکل است که ارکسترسمفونیک تهران در سالگرد ۷۰سالگی‌اش تعطیل شده است. البته رسیدن ارکستر به حالت اغما، چندان هم ناگهانی نبوده و ریشه در یک بیماری شناخته‌شده دارد که آن برقراری تئوری‌های عجیب اقتصادی برای اداره ارکستر آن هم نه همه ارکستر، بلکه برای گروه‌هایی از نوازندگان است. نوازندگان ارکسترسمفونیک تهران چندسالی است که از یک سازمان خاص نمی‌شوند و با هر سنده از نوازندگان به شکل خاصی قرارداد نوشته شده است. تفاوت قرارداد نوازندگان کم‌کم چنددستگی در حقوق‌ها را به وجود آورده و یک دست بودن سازمان ارکسترسمفونیک را تهدید می‌کرد. بارها از طرف نوازندگان و دلسوزان ارکستر، هشدارهایی به

مسوولان ارکستر داده شده بود، ولی دریغ از کوچک‌ترین توجهی به این سازمان حساس فرهنگی…

مسوولان ارکستر معلوم نیست با چه هدفی، پله‌پله ارکستر

آداب خداحافظی حسین سنایور در انتظار

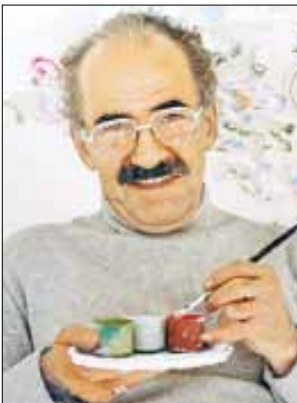


ایستنا: حسین سنایور که مجموعه شعر «آداب خداحافظی» را در انتظار انتشار دارد، از نگارش رمان تازه‌ای خبر داد و گفت: «اکون نیز در حال نگارش رمان تازه‌ای هستم که هنوز به پایان نرسیده است.» مجموعه شعر سنایور حدود هفت ماه است که از سوی نشر چشمه برای دریافت مجوز نشر رایاه شده است.

فرهاد مشیری و ۳۸ هنرمند از جهانی شدن می‌گویند

شرق: ۳۹ هنرمند مطرح جهان در ونیز گرد هم آمده‌اند تا یک‌بار دیگر ثابت کنند هنر؛ مرز نمی‌شناسد. در نمایشگاهی که این روزها از سوی گالری بنیاد پیترول با نمایشگاه گردانی کارولین بورژه در منطقه پلازو گراس شهر ونیز برپا شده، فرهاد مشیری به‌عنوان یک چهره آشنا برای ایران و جهان دیده می‌شود. عنوان نمایشگاه «جهان بر تو عیان می‌شود» است که گویای حقایق موجود در جهان است. هنرمندان حاضر در این نمایشگاه که تا آخرین روز سال جاری میلادی ۳۱دسامبر (۱۰ دی) ادامه دارد، دارای ملیت‌های مختلف هستند. در میان آنها چهره‌های مطرحی همچون فرانچسکو دزولسی، الیگیرو بوتتی، احمد السودانی، هوانگ یونگ پینگ، ژانگ هوآن، فردریش کونتس و بوریس میخایلیوف و هنرمندانی دیگر از کشورهای دنیا به چشم می‌خورد. ویژگی مهم این نمایشگاه آن است که نسل‌های مختلف با ملیت‌هایی گوناگون به مقولاتی چون تاریخ امروز جهان، رواج رسانه‌های جدید، جهان بدون جغرافیا و مواردی از این دست پرداخته‌اند. اثر مشیری در این نمایشگاه؛ چیدمانی است به نام «زندگی زیباست» که تضادهای جهان امروز را به زیبایی به تصویر می‌کشد.
بیننده از دور که به این اثر می‌نگرد با

گزارش تصویری



نکوداشت «عباس بلوکی‌فر» – نقاش قهوه‌خانه‌ای و هنرمند خیال‌پرداز ۱۸ مهر در نگارخانه «برگ» برپا می‌شود.

ادب‌و هنر

نگاه

امیررضا کوهستانی

کارگردان



حدود دو سال پیش به صورتی تصادفی اجرایی از ایوانف را در آلمان دیدم و با توجه به شکل اجرایی و متنی که داشت، علاقمند شدم که این نمایش را اجرا کنم. تا پیش از این کمتر آثار چخوف را خوانده بودم. اما وقتی که این نمایش را خواندم، خوشم آمد و متوجه شدم که قابلیت اجرایی را در ایران دارد. پس تصمیم گرفتم که این نمایش را به صحنه ببرم. سال گذشته وقتی که از خارج از کشور آمدم، با توجه به نوبت اجرایی که داشتم، تصمیم گرفتم ایوانف را تمرین کنم. اما به نظر آمد که خیلی سختی‌ها و وضعیت روز ندارد و «۱۷ دی کجا بودی» را آماده کردم و این پروژه ماند برای امسال و حالا که نمایش روی صحنه رفته است. اینکه می‌گویند کارهای چخوف آثار ساده و راحتی است، شاید به این دلیل است که ما در ایران کارهای چخوف را ساده دیده‌ایم. در حالی که به نظر من ایوانف اگر نگویم سخت‌ترین شاید یکی از پیچیده‌ترین نمایش‌هایی بود که تاکنون به صحنه برده‌ام. این نمایش ماند

■ ■ ■

ارکستر سمفونیک تهران در اغما



را با پیاده کردن روش‌های عجیب و شخصی تا نابودی کشاننده و حتی امروز که نوازندگان ده‌ها روز است به تمرین فراخوانده نشده‌اند، نمی‌دانند ارکستری که روزی به همکاری با آن افتخار

مسوولان ارکستر داده شده بود، ولی دریغ از کوچک‌ترین توجهی به این سازمان حساس فرهنگی…

مسوولان ارکستر معلوم نیست با چه هدفی، پله‌پله ارکستر

«آرنوفسکی» زندگی حضرت نوح را می‌سازد



مسووی وب: «دارن آرنوفسکی» پس از ماه‌ها ریزینی سرانجام قرارداد ساخت فیلم «حضرت نوح» را امضا کرد. او در این‌باره گفت: از وقتی که خیلی بچه بودم، هرجا می‌رفتم داستان زندگی «نوح» را می‌شنیدم و درباره آن خیال‌پردازی می‌کردم و امروز آرزویم این است که بتوانم پنجره‌ای به سوی زندگی و احساسات او باز کنم.

■ ■ ■

شرق: پری صابری که قرار است از نیمه دوم مهرماه به جای دو نمایش جدیدی که مجوزش را گرفته؛ نمایش «شمس پرنده» را برای دومین بار در تالار وحدت به صحنه ببرد، معتقد است کارهایش متعلق به همه مردم ایران است و نه یک قشر خاص، چرا که ثروت ملی ما را به نمایش می‌گذارند. بنابراین دل مردم برای من اهمیت دارد نه شکل و ظاهر آنها «تماشاگران نمایش من از همه اقشار هستند و این گونه نیست که فقط خرپوش‌ها یا بدین نمایشم بیایند.» صابری که در جمع خبرنگاران درباره بازتولیدنمایش شمس پرنده صحبت می‌کرد، گفت: در آغاز نگاهم بودم که این کارها تماشاگر نداشته باشد اما خوشبختانه مردم به خوبی از آنها استقبال کردند. صابری همچنین از علاقه‌اش برای ساخت فیلم شمس پرنده خبر داد و گفت: بسیار علاقه‌مندم از این کار فیلمی ساخته تا به نماینده سیار ما در سراسر جهان تبدیل شود. فیلمنامه آن را به پایان رساندم و دوست دارم آن را به ثمر برسانم. اگر این فیلم ساخته شود می‌توان آن را به همه جا فرستاد. صابری که به صورت هم‌زمان مجوز اجرای دو نمایش «بابا نشاط» و «هرغ باران» را دارد، درباره جایگزین کردن نمایش شمس پرنده به جای بابا نشاط که از مدت‌ها پیش برای اجرای آن علاقمند است، هم گفت: «همچنان خوشبینم



کلبه کوچک‌من

یک اصل اصیل و ابیدی قرآن (۶۶)

اردشیر خرم‌نکوب

■ پزشک سیاه‌پوست و من، هر دو خود را به جوان تازه وارد معرفی می‌کنیم. او اما رغبت چندانی به آشنایی با ما ندارد. دراز می‌کشد و ناسزاهایش را از سرمی‌گیرد. عجیب‌ا که او هم خود را بی‌گناه می‌داند. چه جمع جالبی! سه بی‌گناه در یک کلبه کوچک. جوان تازه‌وارد، شاید ۱۰ دقیقه دراز نکشیده است که برمی‌خیزد و زیر گریه می‌زند. نگران کارهای بر زمین مانده خویش است. جرات می‌کنم و دل‌داری‌اش می‌دهم. اول کمی مقاومت می‌کنم. و ترجیح می‌دهم در فضایی تنگ کلبه قدم بزنم. خیلی زود به پزشک سیاه‌پوست اعتماد می‌کنم و در دمفصل بایش را با او در میان می‌گذارم. گریه‌اش سخت به دلم می‌نشیند. او را به‌جای پسر خود دیدم که یک بار از تنگنای تنگدستی بغض کرد. تلفنی باهم صحبت می‌کردیم که به ناگاه ساکت شد و کمی بعد خودش را رها کرد و با گریه‌اش آشنویی به دلم افکند. جوان هم سولوی مله اهل یکی از شهرهای مجاور است. کوهی از صحبت در گلسو دارد. می‌خواهد هر چه زودتر این بار سنگینی را که در گلو دارد بر زمین بگذارد. تندتند حرف می‌زند. معاینه پزشک سیاه‌پوست، او را آرام می‌کند. به‌خاطر یک مشارکت اقتصادی کارش به اینجا کشیده مشارکتی که از نظر او کاملاً شفاف و سالم است. آن دو که با هم گرم می‌گیرند، من فرصتی برای نوشتن پیدا می‌کنم. بعد می‌دانم رونق نوشتن من دوباره احیا شود. حتی به این نیز فکر می‌کنم که نوشتن را کنار بگذارم. برای مدتی اما نه به سراغ آن اصل اصیل قرآنی می‌روم و نوشتن را آغاز می‌کنم:

عقیده‌ای که در دل خاله کند، به راحتی و حتی به زور از خاله دل، دل نمی‌کند. و این، راز پایداری عقایدی است که به دل‌ها با می‌گذارند. عقیده‌ای که بر دل نشیند، با مهر می‌آمیزد. و عقیده‌ای که بر جسم فرو ریزد، نفرت می‌پراند. «لا اکراه فی الدین» اصل مترقی هر جامعه آندیشمند و دوراندیش است اما چه جای تاسف که عمر بسیاری از جوامع اسلامی در مخالفت با این اصل هدر شد و رفت. و گرنه، اسلام اکنون مرزهای انسانی جوامع‌تری را درخون‌دهیده بود. اسلام، بیش از آنکه از جانب مخالفین خود در تنگنا قرار گیرد، از دوستان و دوستان‌زان جاهل و متعصب و هیچ تفهیم خود به مضیقه دچار شده است. آنان که به اسم جانبداری از دین، تلخ‌ترین و عمیق‌ترین لطمه‌ها را به دین وارد کردند، کسانی بودند که از پوسته ظاهری دین، جز ترش‌دلی، خشموت و محدودیت، چیزی نمانده‌اند. دینی که پیامبرش اسوه لیخند و اخلاق بوده است، به‌خاطر عصمت این جماعت، رفته رفته به دره اکراه و اجبار درافتاد. «لا اکراه فی الدین» در جوامع اسلامی، به‌گونه‌ای دیگر تفسیر شد و از معنای ذاتی‌اش تهی شد. شعاری که می‌توانست آغوش خود را به روی مخاطبان آزاداندیش جهان بگشاید، از رونق خدادادش افتاد. امروز، همه ما را چاره‌ای جز غبارروبی از چهره این اصل اصیل نیست. اصلی که هم با عقل و هم با افق فهم بشر، سازگار است. «لا اکراه فی الدین»، سرمایه گران‌قدری است که باید قدرش را بدانیم و از انزوایش به‌درآوریم. اصلی که به روی فهم فطری بشر لیخند می‌زند و دنیای فراخ‌تری برای اسلام آرزو می‌کند…

خیلی زود با جوان دوست می‌شویم. کاملاً آرام شده است. از آن بی‌قراری‌های اولیه‌اش خبری نیست، حتی چند خاطره خنده‌دار تعریف می‌کند. از زمانی که در ارتش استخدام بوده و بعدها استعفا داده و به کار اقتصادی پرداخته بیشتر با پزشک سیاه‌پوست می‌جو‌شد. شاید به این خاطر که زبان انگلیسی مرا که با لهجه آمیخته است، نمی‌پسندد. و شاید مهربانی فراوان من که هر چه خورنی دارم پیش او می‌گذارم و شانه‌هایش را ماساژ می‌دهم برایش تعریف شدنی نیست اما همین که او را آرام می‌بینم خوشحالم. هم‌سن پسر خودم است.

ادامه دارد

حاشیه

هندی‌ها زمان جشنواره را تغییر دهند

■ فارس: دبیر بیست و پنجمین جشنواره فیلم کودک، تغییر زمان برگزاری این جشنواره را به‌دلیل هم‌زمانی با جشنواره‌ای در هندوستان تکذیب کرد و گفت: احتمال دارد گروه برگزارکننده جشنواره هندی، زمان برگزاری جشنواره‌شان را تغییر دهند. «سیداحمد میرعلایی» گفت: ما به امید خدا قرار است شب عبد سعید غدیر خم افتتاحیه جشنواره فیلم کودک را برگزار کنیم و جشنواره در زمان اعلام‌شده قبلی برپا می‌شود.

خبر آخر

فریا کوثری، رییس هیات داوران جشنواره فیلم بغداد

■ سومین جشنواره بین‌المللی فیلم بغداد با حضور گسترده کشورهای جهان آغاز به کار کرد. در بخش مسابقه فیلم‌های مستند، فریا کوثری، بازیگر ایرانی به عنوان رییس کمیته داوران انتخاب شده است و برجیت اسپنسون خبرنگار آلمانی و آنتخاب شده است.
فریا کوثری عراقی عضوین کمیته هستند. در این جشنواره ۳۲کشور با بیش از ۱۵۰فیلم بلند، کوتاه و مستند حضور دارند که گفته شده بخش اعظمی از آنها برای نخستین بار در این جشنواره به نمایش درمی‌آیند.
جشنواره بین‌المللی فیلم بغداد شاهد حضور فیلم‌هایی از هلند، فرانسه، مصر، الجزایر، مراکش، بلژیک، کویت و لبنان خواهد بود.